



Analyzing the philosophy of human creation and its relationship with the reappearance of the Imam Zaman(A.S.) in verses and narrations

Dr. Mohsen Izadi ¹

Mohammad Jafarian ²

Abstract

One of the important questions that has always been and is still being asked by human is the philosophy of human creation. Human have always wanted to discover the philosophy of his creation. After discovering the philosophy of human creation, for those who believe in the advent of the Promised Mahdi (AS), the question of the relationship between the philosophy of human creation and the advent of the Imam Zaman arises. In the following paper, we seek to find answers to these two important and fundamental questions. The main goal of this paper is to emphasize human and religious identity and to achieve a new belief about Mahdism. The method of collecting information in this research is library research, studying and documenting sources, searching and collecting verses and narrations related to the issue under discussion, and the processing method is analytical and descriptive. According to the verses and narrations, the ultimate goal of the creation of the world is the creation of man, and the ultimate goal of the creation of man is his perfection, and the highest level of human perfection is approaching God. This goal will be realized in the most complete way at the time of the advent of the Promised Imam; of course, the creation of man also has primary and intermediate goals, which are: worship, testing, knowledge, and mercy, and the complete realization of all these goals will also be at the time of the advent of the Imam Zaman(A.S.)

Keywords: Philosophy of Creation, advent of the Imam, Divine Proximity, Worship, Knowledge, Divine Testing, Mercy

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

-
1. Associate Professor, Department of Philosophy and Islamic Theology, Qom University, Iran (Corresponding Author)(m.izadi@qom.ac.ir)
 2. Teacher of Howzeh, Level 4 of Qom Seminary, Iran (m_g_1359@yahoo.com)

واکاوی فلسفه‌ی آفرینش انسان و رابطه‌ی آن با ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در آیات و روایات

محسن ایزدی^۱

محمد جعفریان^۲

چکیده

یکی از سؤال‌های مهمی که همواره برای انسان مطرح بوده و هست، فلسفه‌ی آفرینش انسان است. بشر همواره خواستار کشف فلسفه‌ی آفرینش خود بوده است. بعد از کشف فلسفه‌ی آفرینش انسان، برای معتقدان به ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، مسئله‌ی رابطه‌ی بین فلسفه‌ی آفرینش انسان و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مطرح می‌شود. در نوشتار پیش رو در پی یافتن پاسخ این دو مسئله‌ی مهم و اساسی هستیم. هدف اصلی این مقاله، تأکید بر هویت انسانی و دینی و دست‌یابی به باوری نوین درباره‌ی مهدویت است. روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق، کتابخانه‌ای و مطالعه و فیش برداری از منابع و جستجو و جمع‌آوری آیات و روایات مربوط به مسئله‌ی مورد بحث و روش پردازش، تحلیلی و توصیفی است. بنابر مفاد آیات و روایات، هدف نهایی از خلقت جهان، آفرینش انسان است و هدف نهایی از آفرینش انسان به کمال رسیدن اوست و بالاترین مرتبه‌ی کمال انسان، تقرب الهی است. این هدف، در زمان ظهور امام موعود به کاملترین وجه، وقوع خواهد یافت؛ البته، آفرینش انسان، اهداف ابتدایی و میانی نیز دارد که عبارتند از: عبادت، امتحان، معرفت و رحمت که تحقق تام و تمام این اهداف نیز در زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود.

واژگان کلیدی

فلسفه‌ی آفرینش، ظهور امام، قرب الهی، عبادت، معرفت، امتحان الهی، رحمت.

مقدمه

بشر همواره در مورد این که برای چه خلق شده و فلسفه‌ی آفرینش او چیست، کنجکاو بوده است. یکی از مشکلات اعتقادی اساسی که موجب مشکلات متعددی می‌شود، پوچ‌انگاری جهان آفرینش است. پاسخ مناسب و قانع‌کننده به فلسفه‌ی آفرینش انسان، می‌تواند راه حل

۱. دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه قم، ایران (نویسنده مسئول) (m.izadi@qom.ac.ir).

۲. مدرس حوزه علمیه و سطح چهار حوزه علمیه قم، ایران (m_g_1359@yahoo.com).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۸/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۲؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲

مناسبی برای از بین بردن این شبهه‌ی عمیق اعتقادی باشد. اندیشیدن درباره فلسفه‌ی آفرینش، موجب سؤالات متعدد دیگری می‌شود. بدیهی است برای باورمندان به ظهور منجی به ویژه شیعیان، یکی از سؤالات اساسی که به فلسفه آفرینش انسان ارتباط پیدا می‌کند، این است که چه رابطه‌ای بین ظهور بقیة الله الأعظم علیه السلام و برپایی حکومت جهانی ایشان، و فلسفه‌ی آفرینش انسان وجود دارد؟ این مقاله مترصد است که برای این پرسش اساسی، از منظر آیات کریمه و روایات شریفه، پاسخی در خور و مناسب بیابد. با پاسخ‌های تحلیلی که برای این پرسش مهم ارائه می‌کنیم به نتایج نظری و عملی مفیدی دست خواهیم یافت که برخی از آنها عبارتند از: الف) بازیابی هویت انسانی و دینی برای انسان معاصر؛ ب) دستیابی به باوری جدید و متقن درباره مهدویت؛ ج) کمک به تعمیق و تصحیح باور مؤمنانه نسبت به مسئله‌ی آفرینش و ظهور امام زمان علیه السلام.

درباره‌ی هدف آفرینش انسان، مقالات، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌های متعددی نوشته شده از جمله: کتاب *فلسفه‌ی خلقت*، عبدالله نصری، انتشارات کانون اندیشه جوان. کتاب *راز آفرینش*، یوسف آقامحمدی، انتشارات امین نگار. کتاب *فلسفه‌ی خلقت انسان (در قرآن و روایات)*، اسماعیل غفاری قمی، انتشارات بوستان کتاب. پایان‌نامه‌ی فلسفه‌ی خلقت از دیدگاه علامه طباطبائی نوشته‌ی محمود علی معصومی، مقاله‌ی فلسفه‌ی آفرینش انسان از دیدگاه قرآن از مرتضی موحدی، مقاله‌ی تأملی در فلسفه‌ی آفرینش انسان در نظام تربیتی اسلام از محمدرسول آهنگران و مقاله‌ی دو گام عرفانی در زدودن ابهام از فلسفه‌ی خلقت در تفاسیر قرآنی از سیدابوالفضل موسوی. در مورد مسئله‌ی ظهور نیز مقالات، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌های مختلفی به نگارش در آمده است از جمله: کتاب *قیام و انقلاب مهدی علیه السلام* از شهید مطهری (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۴، ۴۰۵)، کتاب *منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر* از آیت الله صافی گلپایگانی، کتاب *تاریخ غیبت کبری* از سیدمحمد صدر و با ترجمه‌ی دکتر سیدحسن افتخارزاده، کتاب *تأ ظهور از آیت الله نجم الدین طیبی*، کتاب *نگین آفرینش* از مرکز تخصصی مهدویت، پایان‌نامه‌ی «تحلیل و بررسی روایات نحوه‌ی حاکمیت امام زمان علیه السلام از صدیق سبزواری»، مقاله‌ی «عصر ظهور یا مدینه فاضله موعود در اسلام» از حبیب الله طاهری، مقاله‌ی «بصیرت اخلاقی در عصر ظهور (ساز و کارها و روش‌ها)» از رحیم کارگر، مقاله‌ی «جایگاه حکومت عدل جهانی در سیر تاریخی حرکت انبیاء» از نصرت الله آیتی و مقاله‌ی «جهان پس از امام مهدی علیه السلام از دیدگاه روایات» از محمدکاظم رحمان ستایش. آیت الله مصباح یزدی نیز در سخنرانی‌ها خود، بحثی تحت عنوان «فلسفه‌ی مهدویت و انتظار» مطرح کرده‌اند. در هیچ

یک از این پژوهش‌ها ارتباط هدف آفرینش با مسئله‌ی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریک، بررسی نشده و در آثار منتشر شده، تاکنون به این مسئله پرداخته نشده است. نوآوری نوشتار پیش رو این است که به طور تفصیلی، اهداف آفرینش انسان و ربط آنها با ظهور بقیة الله الأعظم را بررسی می‌کند.

ذات خداوند، فاعل و غایت آفرینش

در یک تحلیل دقیق فلسفی، و نیز با قدری تأمل درونی مشخص می‌گردد که حبّ ذات علت‌العلل انجام همه‌ی کارهای فاعل مختار است. به عبارت دیگر مطلوب بالذات برای انجام افعال یک فاعل مختار دوست داشتن ذات خود است و مطلوبیت همه امور دیگر تابع و دائرمدار محبوبیت ذات فاعل می‌باشد. حب ذات مستلزم حب کمال ذات و نیز حب پدیدآورنده کمال ذات است. اگر موجودی فاقد کمالی باشد، همین حب ذات که مستلزم حب کمال ذات است او را برمی‌انگیزد تا برای کسب آن کمال تلاش کند.

اما، خداوند کمال مطلق است و واجد همه کمالات می‌باشد. حب خداوند اولاً و بالذات به ذات و کمال خودش تعلق می‌گیرد و ثانیاً و بالتبع به آثار کمالش. همه ممکن الوجودات آثار کمال خداوند هستند و از جهت تعلق حب خداوند به آثارش، همه آنها محبوب و مطلوب خداوند بوده و همین حب ثانوی خداوند به آنها، فلسفه آفرینش و غایت خلقت آنهاست. بر همین اساس غایت و علت غایی در افعال خداوند ذات اوست و لذا افعال او معلل به هیچ علتی خارج از ذاتش نیست. بنابراین حب ذات خداوند که عین ذات اوست مقتضی آفریدن موجودات است. از همین رو این سؤال که: چرا خداوند می‌آفریند؟ (چرا خداوند خالق است؟) از منظر منطقی سؤال درست و به جایی نیست. چرا که در گزاره «خداوند خالق است»، اولاً اسناد خالقیت به خداوند، مسبوق به دخالت هیچ علتی سواي ذات خداوند نیست؛ به عبارت دیگر گرچه صفت «خالق» از اوصاف فعلی خداوند است، ولی در حقیقت، به صفت قدرت بر خلق، بازگشت می‌کند که صفت ذاتی خداست و «ذاتی الشیء لم یکن معلاً»؛ ثانیاً برای پذیرش این گزاره نیز، به اقامه هیچ دلیلی نیازی نیست؛ به عبارت دیگر گزاره «خداوند خالق است» بین‌الثبوت است. در تعبیری دیگر گفته می‌شود: خداوند واجب‌الفیض و دائم‌الفیض است. در بین همه ممکن الوجودات، موجودی که استعداد وصول به بالاترین مرتبه کمال را دارد، مطلوب و محبوب اصلی خداوند است و بقیه ممکن الوجودات باندازه استعداد وصول آنها به کمال و نیز به اندازه‌ای که در وجود یافتن کامل‌ترین موجود و وصول آن به کمالش تاثیرگذار

هستند، محبوب و مطلوب خداوند و غایت او در آفریدن موجودات می باشند (ر.ک: مصباح، ۱۳۹۲: ۱۶۵).

آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام با صراحت گویای این حقیقت اند که از بین ممکن الوجودات، انسان دارای استعداد وصول به بالاترین مرتبه کمال است و در صورت تحقق شرایط بیرونی و درونی، می تواند به بالاترین درجه کمالی که خداوند برای یک ممکن الوجود مقدور کرده است برسد. بنابراین هدف و فلسفه آفرینش سایر موجودات عبارت است از: اولاً وصول آنها به کمال در خود و شایسته آنها؛ ثانیاً تمهید مقدمات برای آفرینش انسان جهت وصول او به کمالی که می تواند به آن نائل شود. چنان که در آیه ی ۱۳ سوره ی جاثیه «وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» و آیه ی ۲۹ سوره ی بقره «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا». فرمان برداری همه موجودات برای انسان را بیان می فرماید.

هدف نهایی از آفرینش انسان

هدف نهایی و غایت قصوایی که در آیات و روایات به عنوان فلسفه آفرینش انسان، مطرح شده است، رسیدن به کمال و قرب الهی است. آیات متعددی بر این هدف، دلالت دارند از جمله: آیه ی ۱۵۶ سوره ی بقره: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». در این آیه ی شریفه، حرف لام در کلمه ی «لله» برای ملکیت است، از این رو عبارت «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» دلالت می کند بر این حقیقت که هدف آفرینش انسان، رجوع به خداوند متعال است. آیه ی ۴۲ سوره ی نجم: «وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ». طبق این آیه ی شریفه، غایت و نهایت همه چیز، خداوند است. آیه ی ۵۳ سوره ی شوری «أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ». این آیه نیز دلالت می کند که هدف نهایی همه ی موجودات، خداوند است. آیه ۸ سوره ی علق: «إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ». آیه ی ۶ سوره ی انشقاق: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ». در این آیه ی شریفه، نهایت کار انسان و کمال او، ملاقات با خداوند، بیان شده است.

از تمامی این آیات، استفاده می شود که سیر الی الله، رسیدن به او و خدایی شدن، هدف خلقت است و کمال انسان در رسیدن به خداوند است (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۱، ۲۹۱ و ۳۵۳؛ ج ۸، ۲۴۱؛ ج ۱۲، ۱۸۸؛ ج ۱۸، ۷۸؛ ج ۱۹، ۴۷؛ ج ۲۰، ۱۰۶؛ جواد ی آملی، ۱۳۸۹: ج ۵، ۳۵۳ و ۴۰۵).

امام صادق علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

خداوند تبارک و تعالی مخلوقات را بیهوده نیافرید و آنها را بازیچه قرار نداد، بلکه آنها را آفرید تا اظهار قدرت کرده باشد و آنها را به اطاعت خویش مکلف نموده تا بدین ترتیب مستحق رضوانش شوند و خلق‌شان نکرد تا نفعی عائدش شده یا ضرری از خود دفع نماید، بلکه ایجادشان نمود تا به آنها نفع رسانده و بدین وسیله به نعمت جاویدشان برساند (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ج ۱، ۹).

این روایت گرچه به خاطر مجهول بودن «جعفر بن محمد بن عماره» و مهممل بودن «محمد بن عماره»، ضعیف است ولی به واسطه‌ی روایات، تأیید شده و می‌تواند مورد استناد قرار بگیرد. بسیاری از بزرگان مانند علامه طباطبائی در *المیزان* و آیت‌الله جوادی آملی در *ادب فنای مقربان و تفسیر موضوعی قرآن کریم*، معتقدند هدف نهایی آفرینش انسان، رسیدن به سعادت و کمال و قرب الهی است. به عقیده‌ی این بزرگان، اهدافی نظیر عبادت، رحمت، معرفت، و امتحان اهدافی مقدماتی و زمینه‌ساز سعادت و رسیدن به مراتب کمال و قرب الهی هستند. هدف از آفرینش انسان، دستیابی به مقام قرب الهی است و معرفت، عبودیت و بندگی محض خداوند، موجب می‌شوند خداوند انسان را مشمول رحمت خود کند و او را به مراتب عالی‌هی کمال و مقام قرب الهی برساند (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۱۱، ۶۴؛ ج ۱۲، ۴۲؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۳، ۲۸۲ و ۲۸۵؛ ج ۹، ۴۸۲؛ جوادی آملی، ۱۳۸۳: ج ۲، ۳۹۱).

اهداف مقدماتی آفرینش انسان و رابطه‌ی آنها با ظهور امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

تأمل در آیات و روایات، گویای این حقیقت است که حداقل چهار مقدمه‌ی اساسی لازم است تا انسان بتواند به هدف و کمال نهایی خود برسد. این چهار مقدمه را می‌توان به منزله اهداف مقدماتی جهت وصول انسان به هدف نهایی که فلسفه آفرینش اوست قلمداد کرد. همه این چهار هدف مقدماتی ارتباط وثیقی با ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دارند.

۱. معرفت و شناخت خداوند، مقدمه‌ی وصول انسان به کمال

یکی از اهداف آفرینش که در روایات بیان شده است، معرفت و شناخت نسبت به خداوند است. در حدیث قدسی مشهور آمده است «من گنج مخفی بودم. خواستم شناخته شوم و برای همین، خلق کردم تا شناخته شوم» (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۶: ج ۲، ۷۱۰؛ جیلانی، ۱۴۲۹: ج ۱، ۴۲۱؛ مازندرانی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۱۰ و ۱۰۶). این حدیث قدسی، گرچه مرسله است، ولی به گفته‌ی محقق جیلانی، مشهور می‌باشد (جیلانی، ۱۴۲۹: ج ۱، ۴۲۱) و همین شهرت، ضعف سند را جبران می‌کند.

همچنین در روایتی از امام صادق علیه السلام، آمده است «حسین بن علی علیه السلام، رو به یاران شان کردند و خطاب به آنها فرمودند: ای مردم! خداوند جلّ ذکره، بندگان را نیافرید، مگر برای آن که او را بشناسند و هنگامی که او را شناختند، عبادتش می کنند و زمانی که او را عبادت کردند از پرستش غیر او بی نیاز می شوند» (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ج ۱، ۹).
در حدیثی از امام رضا علیه السلام نیز آمده است «خداوند هر آنچه را که خواست و با هر کیفیتی که اراده کرد، خلق کرد تا حکمت و حقیقت ربوبیت خود را آشکار سازد» (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ج ۱، ۹).
بنابراین از منظر این روایات، انسان خلق شد تا نسبت به وجود قدسی خداوند متعال، معرفت پیدا کند و در پرتو این شناخت به سعادت نائل گردد.

بررسی

این که گفته شد «انسان آفریده شد تا نسبت به خداوند، معرفت پیدا کند و در پرتو این معرفت به سعادت ابدی برسد» در حقیقت بیان فائده ای است که به انسان می رسد، نه این که خداوند متعال، نیاز به شناخته شدن داشته باشد؛ چرا که او کمال مطلق و وجودی بی نیاز و بی عیب است.

به بیان دیگر از آن جا که خداوند متعال، واجد همه ی کمالات است و هیچ نقصی در او راه ندارد و بی نیاز مطلق است، هیچ گونه کمبودی ندارد تا بخواهد با آفرینش جهان یا انسان، آن را جبران نماید و یا سودی از آفرینش عالم و آدم نصیب او شود. خداوند چون کامل است، لازمه ی کمالش، فیاض بودن است، پس باید فیض بخشی و بخشندگی کند؛ در نتیجه باید جهانی زیبا و کامل بیافریند و انسان در رهگذر این خلقت و آفرینش به معرفتی ناب دست یابد که موجب سعادت و آرامش ابدی او شده و او را به مقام قرب الهی برساند.

رابطه ی این هدف با ظهور

ظهور امام زمان علیه السلام از چهار جهت، تأمین کننده ی این هدف است و موجب می شود معرفت خداوند، توسعه و تعمیق پیدا کند.

جهت اول: حصول معرفت خدا با معرفت ولی خدا

معرفت خدا با معرفت امام زمان علیه السلام امکان دارد. روایات متعددی بر این مطلب دلالت دارند، از جمله روایات زیر:

نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، می فرمایند:

کسی که بمیرد و امام زنده ای نداشته باشد که آن را بشناسد، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است (حمیری، ۱۴۱۳: ق: ۳۵۱).

این روایت از جهت سند، صحیح‌السند است؛ زیرا آن را حمیری از «احمد بن محمد بن عیسای اشعری» و او از «احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی» نقل می‌کند و هر دو، امامی و ثقه هستند (خویی، ۱۳۷۲: ج ۳، ۸۵ و ۱۷). در مورد دلالت روایت نیز این توضیح، لازم است که مرگ جاهلیت، مرگ شرک‌آلود و مرگی دور از معرفت و شناخت خداوند است و در این روایت، عدم شناخت امام، مساوی شده با مرگ جاهلیت؛ بنابراین به این نتیجه می‌رسیم که راه رسیدن به معرفت و شناخت خداوند، شناخت ولی خداست.

امام حسین (ع) فرمودند: «ای مردم! خداوند جلّ ذکره، بندگان را نیافرید، مگر برای آن که او را بشناسند و...». در این هنگام، یک نفر پرسید: «ای پسر رسول خدا! پدر و مادرم فدای شما، منظور از معرفت خداوند چیست؟» امام در پاسخ فرمودند: «این که اهل هر زمانی، امام‌شان را که طاعت او واجب است، بشناسند» (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ج ۱، ۹).
امام باقر (ع) می‌فرمایند:

تنها کسی خداوند عزّوجلّ را می‌شناسد و پرستش می‌کند که هم خدا را بشناسد و هم امام از خاندان ما را و کسی که خداوند عزّوجلّ و امام از خاندان ما را نشناسد، غیر خدا را شناخته و عبادت کرده است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۸۱).

قبل از ظهور امام زمان (ع)، به خاطر وجود موانع و نیز به خاطر تامّ و تمام نبودن مقتضی، معرفت خداوند و معرفت امام زمان (ع) بتمامه ممکن نیست، اما با ظهور امام زمان (ع)، چنان که خواهد آمد، موانع شناخت، مرتفع می‌شوند، علاوه بر این که رشد عقول، باعث معرفت بیشتر به خداوند و امام زمان (ع) می‌گردد.

جهت دوم: برطرف شدن کامل موانع در زمان ظهور

در زمان ظهور، طاغوت و نفاق از بین می‌روند و بدین وسیله، موانع شناخت خدا و ولی خدا، مرتفع می‌گردند. از بین رفتن نفاق و نابودی دستگاه‌هایی که شناخت‌های غیرواقعی عرضه می‌کنند، موجب تحقّق شناخت واقعی می‌گردد و کسی نمی‌تواند تدلیس کند، حقایق امور روشن می‌شود و تخلیط، امکان نخواهد داشت.

در مورد از بین رفتن نفاق در زمان ظهور، روایات متعددی وجود دارد از جمله روایت امام باقر (ع) که فرمودند:

هر کسی [در زمان ظهور مهدی] توبه کند، خداوند توبه‌اش را قبول می‌کند و هر کسی نفاقی در دل داشته باشد و آن را پنهان کند خداوند بینی‌اش را به خاک می‌مالد [کنایه از این که او را نابود می‌کند] (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ۸۱).

علاوه بر روایات، فرازهای مختلفی از دعا‌های معتبر مانند فقرات متعددی از دعای شریف ندبه نیز بر این مدعا دلالت دارند. در دعای ندبه آمده است:

کجاست آن که برای کندن ریشه ظالمان و ستمگران عالم، مهیا شده است؟ ... کجاست آن که امید می‌رود، اساس ظلم و عدوان را از عالم براندازد؟ ... کجاست آن که شوکت ستمکاران را در هم شکند؟ کجاست آن که بنا و اساس شرک و نفاق را ویران می‌سازد؟ ... کجاست آن که حبل و دسیسه‌های دروغ و افترا را از ریشه قطع خواهد کرد؟ کجاست آن که متکبران و سرکشان عالم را نابود می‌کند؟ کجاست ریشه‌کن کننده‌ی دشمنان حق و فریب‌دهندگان خلق و ملحدان؟ (ابن طاووس، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۲۹۷).

جهت سوم: بارور شدن تمام استعدادها در همه‌ی انسان

شکی نیست که ابزار درک و شناخت و معرفت، عقل است. در زمان ظهور امام زمان (عج)، به مدد الهی، عقل‌ها کامل می‌شوند و تمام نواقص آنها برطرف شده و همین موجب تحقق حدّ اعلای معرفت و شناخت می‌گردد. در روایتی از امام باقر (عج) آمده است:

هنگامی که قائم ما قیام می‌کند، خداوند دست رحمتش را بر سر بندگان می‌گذارد و در نتیجه، عقول‌شان را جمع می‌کند و خردشان کامل می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۲۵).

به گفته‌ی علامه مجلسی، مشهور این روایت را ضعیف می‌دانند (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۸۰). به نظر می‌رسد از آن جا که بقیه‌ی افراد مذکور در سند روایت همگی امامی و ثقه‌اند (خوئی، ۱۳۷۲ق: ج ۷، ۸۳؛ ج ۱۹، ۲۸۰؛ ج ۶، ۳۸؛ ج ۱۵، ۱۹۰ و ۷۶؛ ج ۱۱، ۱۰۲)، این کلام مشهور به خاطر مجهول بودن «مولی لبنی شیبان» است و این در حالی است که میرداماد، این فرد را همان زراره می‌داند که از بزرگان شیعه است (میرداماد، ۱۴۰۳ق: النص، ۵). بر فرض پذیرش کلام میرداماد، روایت، صحیح خواهد بود.

در مورد دلالت روایت، ملا صالح مازندرانی در شرح این عبارت معتقد است که مراد از جمع کردن عقول، از بین رفتن اختلاف بین عقول و اجماع آنها بر حق است و مراد از کامل شدن احلام، کامل شدن عقل تک‌تک افراد است به گونه‌ای که قوه‌ی غضبیه و شهویه، تحت فرمان عقل درآیند (مازندرانی، ۱۳۸۲ق: ج ۱، ۳۹۹).

ملا صدرا نیز قریب به همین معنی را بیان کرده، علاوه بر این، تصریح دارد که این معرفت و شناخت، به واسطه‌ی امداد غیبی است. وی می‌گوید:

در آخرالزمان استعدادها به حدی می‌رسد که به معلمی از خارج خود نیاز ندارد و الهام

غیبی، جای تأدیب خارجی را می‌گیرد و مکمل عقلی، جایگزین معلم حسی می‌شود همان‌گونه که در مورد سائر اولیاء، چنین است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳: ج ۱، ۵۶۶-۵۶۷).

نکته‌ی قابل توجه این است که تمام کسانی که می‌توانستند به این شناخت کامل برسند و اهل مجاهده و تلاش در راه این شناخت و عقیده بودند، اما به دلیل نبود شرایط یا وجود موانع، به این مقام نرسیده‌اند، رجعت کرده و در زمان ظهور با مجاهده در مسیر برپایی دولت جهانی الهی، به شناخت واقعی خواهند رسید. روایات زیادی می‌توانند این مدعا را ثابت کنند، از جمله:

پیامبر اکرم (ص) به سلمان فرمودند:

سلمان! تو و هر کسی که مثل تو باشد و از روی حقیقت، ولایت قائم ما را داشته باشد، او را درک خواهد کرد (ر.ک: جوهری بصری، بی‌تا: ۶-۸؛ طبری آملی صغیر، ۱۴۱۳ق: ۴۵۰-۴۴۷؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ۲۵۳-۲۵۲).

آیت‌الله مکارم شیرازی در این باره می‌گویند:

با توجه به آنچه از روایات اسلامی استفاده می‌شود این موضوع جنبه همگانی ندارد، بلکه اختصاص به مؤمنان صالح‌العملی دارد که در یک مرحله عالی از ایمان قرار دارند، و همچنین کفار و طاغیان ستمگری که در مرحله منحطی از کفر و ظلم قرار دارند، چنین به نظر می‌رسد که بازگشت مجدد این دو گروه به زندگی دنیا به منظور تکمیل یک حلقه تکاملی گروه اول و چشیدن کیفر دنیوی گروه دوم است. به تعبیر دیگر گروهی از مؤمنان خالص که در مسیر تکامل معنوی با موانع و عوائقی در زندگی خود روبرو شده‌اند و تکامل آنها ناتمام مانده است حکمت الهی ایجاب می‌کند که سیر تکاملی خود را از طریق بازگشت مجدد به این جهان ادامه دهند، شاهد و ناظر حکومت جهانی حق و عدالت باشند و در بنای این حکومت شرکت جویند، چرا که شرکت در تشکیل چنین حکومتی از بزرگ‌ترین افتخارات است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱۵، ۵۵۹).

جهت چهارم: جلوه‌گر شدن واقعی عبادت خداوند

آیات و روایات متعددی دلالت دارند بر این مطلب که بین عبادت خداوند و شناخت او، ارتباط مستقیم وجود دارد. شناخت، موجب عبادت می‌شود و این عبادت نیز، شناخت را تقویت می‌کند. در آیه‌ی ۲۸ سوره‌ی مبارکه‌ی حدید آمده است ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ

رَجِیم؛ در این آیه‌ی شریفه برای اهل تقوا که در مقام عمل، بندگی خدا را می‌کنند و حریم خداوند را رعایت می‌نمایند، سه پاداش بیان شده است. از جمله این که «يَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ». به گفته‌ی آیت‌الله مکارم شیرازی این نور، مطلق است و مصادیق زیادی دارد، از جمله: قرآن، ایمان و امام معصوم. مراد از آیه‌ی شریفه این است که ایمان و تقوا سبب می‌شود که حجاب‌ها از قلب مؤمن برداشته شوند و مؤمن، چهره حقایق را بی‌پرده ببیند و به روشن‌بینی خاصی نائل شود که افراد بی‌ایمان از آن محرومند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۲۳، ۳۹۶). این روشن‌بینی، همان معرفت و شناخت خداوند است.

امام باقر (علیه السلام) در مورد رابطه‌ی بین عمل و معرفت می‌فرمایند:

هیچ عملی جز با معرفت، پذیرفته نمی‌شود، و هیچ معرفتی، بدون عمل نیست، هر که [خدا را] بشناسد، معرفت، او را به عمل رهنمائی می‌کند و آن که معرفت ندارد عمل ندارد (ابن شعبه حرانی، ۳۶۳: ق: ۲۹۴).

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

شما صالح نیستید، مگر این که معرفت پیدا کنید و معرفت پیدا نمی‌کنید مگر این که تصدیق کنید و تصدیق نمی‌کنید جز این که تسلیم باشید (کلینی، ۱۴۰۷: ج: ۱، ۱۸۱-۱۸۲).

با این مطالب، روشن شد که جلوه‌گر شدن عبودیت خداوند در تمام عالم، زمینه‌ساز شناخت و معرفت تام و تمام خواهد بود و چنان که در پی می‌آید، در زمان ظهور امام زمان (علیه السلام) است که حقیقت عبودیت خداوند، محقق خواهد شد.

۲. عبادت، مقدمه‌ی وصول انسان به کمال

از جمله آیاتی که فلسفه انسان و جن را بیان می‌کند آیه‌ی ۵۶ سوره‌ی ذاریات است که می‌فرماید «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ». این آیه‌ی مبارکه به صراحت، غرض از آفرینش انسان را عبادت و پرستش خداوند متعال، بیان می‌کند و عبادت را علت منحصربه‌ی آفرینش جن و انس ذکر می‌کند.^۱ البته منظور از عبادت، تنها به جا آوردن نماز و روزه و امثال آن نیست. مراد از عبادت، تسلیم و اطاعت بی‌چون و چرا از خداوند متعال به منظور تقرب به او و به بیان

۱. این آیه‌ی کریمه در قالب استثناء بعد از نفی بیان شده و این ساختار در ادبیات عرب، مفید حصر است و اختصاص را می‌رساند؛ یعنی علت آفرینش جن و انس، فقط عبادت می‌باشد.

دیگر، اظهار خضوع و خشوع همراه با فرمانبرداری و اطاعت است.^۱

بررسی

عبادت به عنوان فلسفه‌ی آفرینش انسان برای تکامل و نزدیکی به خدای متعال (که کمال مطلق است) و به بیان دیگر برای کسب معرفت حقیقی نسبت به خداوند متعال می‌باشد؛ بنابراین در حقیقت، عبادت راه و وسیله است برای رسیدن به معرفت و کمال و قرب الهی. به بیان دیگر عبادت، هدف مقدّمی است، نه این‌که هدف نهایی و غایه‌الغایات باشد! و اما این‌که خداوند متعال در این آیه‌ی شریفه فرمود «جن و انس را فقط برای عبادت خلق کردم» به خاطر این است که راه نزدیک شدن به کمال مطلق و رسیدن به معرفت واقعی نسبت به خداوند متعال و قرب الهی، فقط یک راه است و آن راه، همان راه بندگی خداوند است.

صاحب‌الدریعه معتقد است در این فرمایش امام که می‌فرمایند «اولین عبادت خداوند، معرفت اوست»، جمع شده بین آیه‌ی «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» و حدیث قدسی مشهور که «من گنج مخفی بودم. خواستم شناخته شوم و برای همین، خلق کردم تا شناخته شوم» (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۶ق: ج ۲، ۷۱۰؛ جیلانی، ۱۴۲۹ق: ج ۱، ۴۲۱؛ مازندرانی، ۱۳۸۲ق: ج ۱، ۱۰ و ۱۰۶).

ملا صدرا نیز بر این باور است که مراد از عبادت که در آیه‌ی شریفه‌ی «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» به عنوان غرض آفرینش جن و انس، بیان شده، شناخت و معرفت خداوند است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳: ج ۲، ۱۸۲). در کشف الوافی آمده است: «هدف وجود جن و انس، معرفت و یا عبادت است که مستلزم معرفت می‌باشد» (شریف شیرازی، ۱۴۳۰ق: ۱۳۰).

علامه طباطبائی نیز معرفت حاصله از عبادت را غرض و هدفی بالاتر از عبادت می‌داند و معتقدند که عبادت، غرض متوسط آفرینش انسان است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۸، ۳۸۶). ایشان همچنین در مورد عبادت می‌گویند:

حقیقت عبادت این است که عبد، خود را در مقام ذلّت و بندگی قرار دهد و به پروردگار خود، روی آورد و هر کسی که در این آیه‌ی شریفه، عبادت را به معنای معرفت گرفته

۱. چنان‌که در کتب لغت، عبادت به معنای طاعت، خضوع، تذلل و انقیاد معنا شده است. در صحاح آمده «عبادت، طاعت است» (جوهری، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ۵۰۳). همچنین آمده است «اصل عبودیت، خضوع و ذلت است» (جوهری، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ۵۰۳). مجمع البحرین در این باره می‌گوید «عبادت، نهایت خضوع و تذلل است» (طریحی، ۱۴۱۶ق: ج ۳، ۹۲). راغب اصفهانی نیز می‌گوید «عبودیت، اظهار تذلل است» (اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۴۲). در التحقیق هم آمده «اصل واحد در این ماده، نهایت تذلل در مقابل مولا، همراه با اطاعت است» (مصطفوی، ۱۴۰۲ق: ج ۸، ۱۲).

است، مرادش همین معرفتی است که به وسیله‌ی عبادت، به دست آمده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۸، ۳۸۸).

رابطه‌ی عبادت با ظهور امام زمان (عج)

همان‌طور که بیان شد، عبودیت به عنوان فلسفه‌ی آفرینش انسان، تک‌بُعدی نیست، بلکه دارای ابعاد مختلف فردی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی است و شامل حیطه‌ی حکومت‌داری و نظامات نیز می‌شود. عبودیت فردی، در طول تاریخ، رخ داده، اما هنوز جامعه‌ی جهانی بر محور توحید و حکومت جهانی الهی که تمام نظامات و مبانی خود را از دین الهی گرفته باشد و مظهر عبودیت در گستره‌ی جامع آن باشد، شکل نگرفته و تنها در عصر ظهور امام زمان (عج) است که عبودیت در تمام ابعاد آن، جلوه‌گر می‌شود. تنها در زمان ظهور بقیه‌الله است که عبادت حقیقی خداوند محقق خواهد شد و همه چیز و همه کس، مطیع درگاه او می‌شوند؛ از این رو در برخی روایات، غایت و هدف ظهور امام زمان (عج)، عبادت بیان شده است. در حدیثی قدسی در مورد دوران ظهور آمده «به وسیله‌ی مهدی، دولت خود را آشکار می‌کنم و از دشمنانم انتقام می‌گیرم و خواهی نخواهی، پرستیده می‌شوم» (ر.ک: صفار، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۷۰؛ کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۸). تمام رجال این روایت، امامی و ثقه هستند به جز «داوود عجلی» که مهممل است و مدح و ذمی در مورد او وارد نشده است (خوئی، ۱۳۷۲: ج ۸، ۴۲).

در روایتی دیگر از امام صادق (ع) آمده است:

در روی زمین، بقعه‌ای نمی‌ماند که در آن عبادت غیر خداوند شود. [همه جا] عبادت خداوند می‌شوند و «يَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۳۴۶-۳۴۵).

عبادت خداوند با اطاعت از ولی امر محقق می‌شود و موانع این اطاعت (عدم بینش و معرفت کافی و تدلیس طواغیت و منافقین) چنان که بیان شد، در زمان ظهور برطرف خواهند شد.

در آیه‌ی ۵۵ سوره‌ی نور نیز آمده است «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيَبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ». روایات متعددی، این آیه را مربوط به روز ظهور امام زمان (عج) دانسته‌اند (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق: ۲۴۰). در این آیه در وصف روز ظهور آمده «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»؛ از این رو دلالت دارد بر این که در روز ظهور، عبادت حقیقی خداوند، جلوه‌گر می‌شود.

۳. امتحان و آزمایش الهی، مقدمه‌ی وصول انسان به کمال

برخی از آیات قرآن کریم، فلسفه‌ی آفرینش انسان را امتحان و ابتلاء بیان می‌کنند. در آیه‌ی ۷ سوره‌ی هود آمده است: ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾؛ در سوره‌ی ملک، آیه‌ی ۲ نیز می‌خوانیم: ﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ﴾؛ در این دو آیه، هدف از آفرینش انسان، امتحان و آزمایش او بیان شده است.

امام رضا (ع) در تفسیر آیه‌ی ۷ سوره‌ی هود می‌فرماید: مراد از ﴿لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ این است که خداوند، آنها را آفرید تا با طاعت و عبادت و تکالیف خود، آنان را بیازماید (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۱، ۱۳۵؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۴۱۲). در روایت دیگری از حضرت امام باقر (ع) آمده که وقتی حضرت آدم (ع) در مورد سبب اختلاف بین انسان‌ها سؤال کرد [که چرا خداوند، بعضی را بزرگ‌تر از بعضی دیگر آفریده، برخی نور زیاد و برخی نور کم دارند و جمعی بی‌نور هستند؟]، خداوند در پاسخ فرمود: «این‌گونه ایشان را آفریدم تا در تمام حالات، آنها را امتحان کنم» (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ج ۱، ۱۰). این روایت، صحیحه است؛ زیرا راویان آن، همگی، امامی و ثقه هستند (خوئی، ۱۳۷۲: ج ۱۶، ۲۱۹ و ۲۶۳؛ ج ۳، ۸۵؛ ج ۶، ۹۶).

حتی در قرآن کریم آمده است که خداوند، نعمت‌ها و زیبایی‌های زمین را نیز به خاطر امتحان انسان، آفریده است چنان‌که در آیه‌ی ۷ سوره‌ی کهف آمده است: ﴿إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِيَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾.

بررسی

غرض از امتحان، امور متعددی می‌تواند باشد که سه امر زیر از مهم‌ترین آنها هستند:

الف) گاهی امتحان برای کسب علم و رفع جهل است یعنی امتحان گیرنده می‌خواهد به وسیله‌ی امتحان، کسب آگاهی نماید و جهل خود را از بین ببرد. این غرض در مورد امتحانات الهی، صادق نیست؛ زیرا خداوند متعال چنان‌که در علم کلام اثبات گردیده، عالم به همه چیز است و نیازی به کسب علم ندارد؛ از این رو در آیات کریمه در موارد متعددی آمده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ (از جمله آل عمران: ۱۰۹)؛ و در جایی دیگر آمده است: ﴿يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ﴾ (غافر: ۱۹). امام رضا (ع) در این باره می‌فرماید:

[امتحان خداوند] این‌گونه نیست که [برای خودش] امتحان و تجربه باشد [که بخواهد چیزی را بفهمد یا تجربه کند] زیرا او عالم به تمام چیزهاست (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۱، ۱۳۵؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۴۱۲).

ب) گاهی امتحان برای رفع جهل نیست، بلکه برای تقویت و به فعلیت رساندن استعداد است؛ یعنی امتحان گیرنده می‌خواهد به وسیله‌ی امتحان، قوه و استعدادهای نهفته در امتحان شونده را به فعلیت رسانده و آنها را آشکار نماید. به بیان دیگر، امتحان به منظور فراهم نمودن زمینه برای افعال اختیاری است تا آنچه پنهان است آشکار گردد و استعداد، پرورش یابد.

ج) گاهی امتحان برای جدا شدن شقی از سعید و رسیدن به ثواب و عقاب است. آنچه در امتحانات الهی مدنظر است، دو مورد اخیر است. در این باره در آیه‌ی ۱۷۹ سوره‌ی آل عمران آمده است: «مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ»؛ یعنی «خداوند بر آن نیست که مؤمنان را بر این [وضع] که شما بر آن قرار دارید [که منافق از مؤمن، و خوب از بد، مشخص و معلوم نیست] واگذارد، [بر آن است] تا پلید را از پاک [به سبب آزمایش‌های مختلف] جدا سازد». علامه طباطبائی در تفسیر این آیه‌ی شریفه معتقدند که خداوند به مؤمنین خطاب می‌کند و به آنها می‌گوید که سنت امتحان در مورد آنان جاری می‌شود تا آنها به کمال خاص خود برسند و در نتیجه، مؤمن خالص از مؤمن ناخالص و خبیث از طیب، جدا شود (طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۴، ۷۹). در آیه‌ی ۱۵۴ سوره‌ی آل عمران می‌خوانیم: «وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحَّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ».

امیرالمؤمنین، علی (ع) نیز در مود هدف و غرض امتحانات الهی می‌فرماید: «بدانید که خداوند، بندگان را در معرض آزمون قرار داد، نه به خاطر این که به اسرار باطنی و اندیشه‌های درونی آنان آگاه نباشد، بلکه به این علت که آنان را در بوته‌ی آزمایش قرار دهد تا معلوم شود کدامشان بهترین عمل را دارند، آن گاه ثواب در برابر کار نیک، و عقاب در مقابل کار بد قرار گیرد» (نهج البلاغه، خطبه، ۱۴۴). در این روایت نیز ثواب و عقاب که در حقیقت، ثمره‌ی جدا شدن سعید و شقی است، غرض از امتحانات الهی شمرده شده است. خداوند متعال به وسیله‌ی نعمت‌ها و آسایش‌ها و یا بلاها و سختی‌ها، انسان‌ها را امتحان می‌کند تا در پرتو نعمت‌ها و بلاها هر کسی را به کمالی که لایق آن است برساند؛ از این رو کسانی که استعداد، ظرفیت و توان بیشتری دارند سهم بیشتری از بلاها را نیز دارا می‌باشند. امتحان، جزئی از عبادت و اطاعت است با این توضیح که معیار سنجش و ملاک ارتقا و عبور از مراحل مختلف تعب و بندگی، امتحان و ابتلاء است. با امتحان، میزان تعب هر فردی، مشخص و نمایان می‌شود و امتحان‌های کوچکتر، انسان را برای امتحان‌های سخت‌تر و مراحل بالاتر طاعت و بندگی، آماده می‌سازند.

رابطه امتحان و آزمایش الهی با ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه‌ه)

قیام مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه‌ه)، هزینه بردار است. بعد از پرداخت هزینه، برکات مادی و معنوی سرازیر می‌شوند. برکات مادی، برکات زمین و آسمان و برکات معنوی، رشد عقول و رسیدن به معرفت و شناخت واقعی است. بر این مدعا روایات زیادی دلالت دارند از جمله:

الف) بشیر نبال می‌گوید وارد مدینه شدم و به امام باقر (عجل الله تعالی فرجه‌ه) عرض کردم: «می‌گویند مهدی که قیام کند، همه‌ی امور خود به خود [معجزه‌آسا] برای او فراهم می‌شوند و به اندازه‌ی خون حجامت از کسی خونی ریخته نمی‌شود». امام فرمودند: «هرگز چنین نیست! قسم به کسی که جان من در دست اوست، اگر قرار بود همه‌ی امور خود به خود و معجزه‌آسا حل شوند، در مورد پیامبر خدا (ص) چنین می‌شد، در حالی که دندان‌های پیشین حضرتش شکست و صورتش زخم برداشت! قسم به کسی که جانم در دست اوست، [این امر محقق نخواهد شد] تا این که ما و شما خون بسته شده و عرق را از پیشانی خود پاک کنیم» و سپس دست بر پیشانی خود کشیدند (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق: ۲۸۴).

ب) معمر بن خلاد می‌گوید: در محضر امام رضا (عجل الله تعالی فرجه‌ه) بودیم که صحبت از قائم شد. امام فرمودند «شما در امروز، راحت‌تر از زمان قیام هستید». اصحاب پرسیدند: «چگونه؟ [چرا چنین است؟]» امام فرمودند: «زمانی که قائم ما قیام کند، تنها چیزی که برای شما خواهد بود، خون بسته شده است و عرق و خوابیدن روی زمین‌ها» (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق: ۲۸۵).

این امتحان؛ یعنی امتحان پرداخت هزینه در راه برپایی دولت و حکومت الهی در سراسر جهان، مهم‌ترین و آخرین امتحانی است. هر کسی که ادعای پیروی از حقانیت را دارد و در این راه تلاش و مجاهده کرده، در زمان ظهور، رجعت می‌کند و با پرداخت این هزینه، به حدّ اعلای از شناخت، معرفت و قرب الهی، نائل می‌شود.

۴. رحمت الهی، مقدمه‌ی وصول انسان به کمال

هدف دیگری که در آیات قرآن در مورد آفرینش انسان بیان شده است، رحمت است. در آیات ۱۱۸ و ۱۱۹ سوره‌ی هود آمده است «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ * إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ». عبارت «لِذَلِكَ خَلَقَهُمْ» در این آیات شریفه، اشاره به هدف آفرینش انسان دارد و بیانگر این موضوع است که هدف از آفرینش انسان این است که مورد رحمت الهی قرار گیرد.

ابو بصیر می‌گوید: از امام صادق (عجل الله تعالی فرجه‌ه) در مورد آیه‌ی «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»

پرسیدم و ایشان فرمودند: «منظور این است که خداوند، جن و انس را آفرید تا آنان را به عبادت امر کند». سپس از ایشان در مورد معنای کلام خداوند عزوجل که می‌فرماید: ﴿وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَن رَّجِمَ رَبُّكَ﴾ سؤال کرده و عرضه داشتم: «برای چه خداوند، ایشان را آفرید؟». حضرت فرمودند: «خداوند، آنها را آفرید تا به گونه‌ای رفتار کنند که مستوجب رحمت خداوند شوند و مشمول رحمت واسعه‌اش گردند» (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ج ۱، ۱۳).

بررسی

برخی از بزرگان مانند آیت‌الله جوادی آملی در کتاب شریف تسنیم معتقدند برخورداری از رحمت الهی، نسبت به امتحان و عبادات، هدف متعالی تری می‌باشد؛ چرا که امتحان و عبادت مقدمه نزول رحمت الهی برای انسان هستند (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ج ۳۹، ۶۰۹). علامه طباطبائی گرچه هدف نهایی آفرینش انسان را برخورداری از رحمت خداوند نمی‌داند، ولی در مورد مراد و منظور از رحمت بر این باور است که از آیه‌ی شریفه‌ی ﴿فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ﴾ (بقره: ۲۱۳) استفاده می‌شود که منظور از رحمت خداوند، هدایت الهی است (طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۱، ۶۲) و واضح است که هدایت الهی همان، معرفت و شناخت خداوند است از این رو، از کلام علامه طباطبائی برداشت می‌شود که معرفت و شناخت خداوند، موجب نزول رحمت الهی می‌شود و مقدمه‌ای برای رسیدن به رحمت خداوند است. خداوند انسان را خلق کرد و انسان در پرتو هدایت پیامبران و عقل سلیم، به معرفت الهی دست می‌یابد و در چتر حمایتی خداوند قرار می‌گیرد (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۱، ۶۴-۶۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۹، ۲۸۰). از آن جا که ذات خداوند، دارای اعلی مراتب کمال است و هیچ نقصانی در آن راه ندارد و فیاض علی الاطلاق است، چنین ذاتی باید موجودی را که لیاقت و صلاحیت شمول رحمت الهی دارد را بیافریند و طریق رسیدن به رحمت را هم به او نشان دهد، و الا نقص در حکمت و عدالت و قدرت او خواهد بود.

رابطه رحمت خداوند با ظهور امام زمان (عج)

از آنچه تا کنون بیان شد روشن می‌شود که راه رسیدن به رحمت الهی، معرفت و شناخت خداوند و عبادت و بندگی اوست. پیامبر گرامی اسلام ﷺ در این باره می‌فرماید: با فرمان بردن و اطاعت از اوامر خداوند، خود را در معرض رحمت او قرار دهید (ورام بن ابی فراس، ۱۴۱۰: ج ۲، ۱۲۰).

همان طور که در مباحث گذشته، بیان گردید، در زمان ظهور، شناخت واقعی محقق شده و

موانع عبادت و بندگی خداوند مرتفع می‌شوند و انسان‌ها به رحمت حقیقی خداوند، خواهند رسید؛ از این رو، یکی از القابی که در روایات، به امام زمان (عج) نسبت داده شده، «رحمة للعالمین» است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۵۲۸).

برخی از جلوه‌های رحمت الهی در زمان ظهور که در روایات آمده‌اند، عبارتند از:

۱. **هدایت عمومی:** امام صادق (ع) می‌فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند، جایی در روی زمین باقی نمی‌ماند، مگر اینکه در آن جا صدای اُشهد أن لا اله الا الله و اُشهد أن محمداً رسول الله بلند می‌شود» (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۲، ۶۰). همان‌طور که گفته شد، علامه طباطبائی، مراد و مصداق رحمت الهی را هدایت خداوند می‌داند.

۲. **ظاهر شدن نعمت‌های الهی:** پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «امت من در زمان مهدی به نعمت‌هایی می‌رسند که هیچ‌کسی به امثال این نعمتها نرسیده است ... [در این زمان] آسمان، پی در پی و پر برکت بر آنها می‌بارد و زمین، ذخائر گیاهی خود را مخفی نخواهد کرد» (اربلی، ۳۸۱ق: ج ۲، ۴۶۷-۴۶۸). امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: «زمانی که قائم ما قیام کند... زمین، گنج‌های خود را آشکار می‌کند» (مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۸۱).

۳. **بی‌نیازی مردم:** امام صادق (ع) می‌فرماید: «زمانی که قائم ما قیام کند... مردم بر اثر نعمتی که خداوند به آنها ارزانی داشته، از همه چیز بی‌نیاز می‌شوند» (همان).

نتیجه‌گیری

هدف از خلقت جهان، آفرینش انسان است و هدف نهایی آفرینش انسان، رسیدن به کمال و تقرب الهی است که از طریق شمول رحمت الهی، امکان‌پذیر است و این رحمت زائیده‌ی معرفت و شناخت صحیح از خداوند و عالم هستی است. معرفتی که جز از طریق بندگی و اطاعت بی‌چون و چرا از فرامین حق تعالی حاصل نمی‌شود و مسیر وصول به آن سراسر، ابتلاء و امتحان است تا استعدادهای درونی و خدادادی انسان، شکوفا شود و انسان به نور معرفت، نائل گردد. بنابراین، تحقق اهداف مقدماتی، شرط لازم برای وصول انسان به هدف نهایی است. در زمان ظهور امام زمان (عج)، زمینه تحقق این اهداف مقدماتی به نحو احسن و اکمل مهیا خواهد شد.

تأمل و تدبر در برخی آیات قرآن کریم و نیز برخی احادیث معصومین (ع) نشان می‌دهد، مقدماتی که زمینه وصول انسان به هدف نهایی را فراهم می‌کنند و نیز رابطه ظهور امام زمان (عج) با تحقق این مقدمات به قرار زیر است:

الف) معرفت و شناخت خداوند: معرفت، یکی از اهداف مقدماتی برای آفرینش انسان است و ظهور امام زمان از چهار جهت، موجب تحقق کامل تر این هدف می شود؛ ۱. حصول معرفت خدا با معرفت ولی خدا؛ ۲. برطرف شدن کامل موانع در زمان ظهور؛ ۳. بارور شدن تمام استعدادها در همه ی انسان؛ ۴. جلوه گر شدن واقعی عبادت خداوند.

ب) عبادت و بندگی خداوند: عبادت، هدف ابتدایی آفرینش انسان است که موجب معرفت می شود. طبق روایات شریفه، عبادت و بندگی واقعی و همه گیر خداوند در زمان ظهور امام زمان علیه السلام محقق می شود و این عبادت با اطاعت از ولی امر کامل می گردد.

ج) امتحان و آزمایش الهی: امتحان نیز یکی از اهداف میانی آفرینش انسان است. امتحانات زمان ظهور امام زمان علیه السلام با دو هدف بارور کردن استعدادها و جدا شدن شقی از سعید، صورت می گیرند و اصل این امتحان، امتحان پرداخت هزینه و تحمل مشقات در راه اقامه ی حدود و احکام الهی و اجرای اوامر ولی امر است.

د) رحمت: یکی از اهداف بسیار نزدیک به هدف اصلی آفرینش انسان، مشمول رحمت الهی قرار گرفتن اوست. راه رسیدن به رحمت الهی، عبودیت و بندگی خداوند و شناخت اوست و همان طور که بیان گردید، این دو عامل در زمان ظهور امام زمان علیه السلام، به نحو کامل، محقق می شوند و از این رو در زمان ظهور امام زمان علیه السلام، رحمت الهی فراگیر می شود. هدایت عمومی، ظاهر شدن نعمت های الهی و بی نیازی مردم، سه جلوه ی مهم از رحمت الهی هستند که در زمان ظهور امام زمان علیه السلام، به نحو تام و تمام، محقق خواهند شد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبه*، تهران: نشر صدوق، اول.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، *عیون اخبار الرضا علیه السلام، تهران: نشر جهان، اول.*
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵)، *علل الشرائع*، قم: کتابفروشی داوری، اول.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران: اسلامیه، دوم.
۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳ق)، *تحف العقول*، قم: جامعه مدرسین، دوم.
۶. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹ق)، *إقبال الأعمال*، تهران: دارالکتب الإسلامیه، دوم.
۷. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، *کشف الغمه فی معرفه الأئمه*، تبریز: بنی هاشمی، اول.

۸. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم: مؤسسه البعثه، اول.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳)، *تفسیر موضوعی قرآن کریم*، قم: اسراء، اول.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، *ادب فنای مقربان*، قم: اسراء، هفتم.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵)، *تسنیم*، قم: اسراء، اول.
۱۲. جوهری بصری، احمد بن عبدالعزیز (بی تا)، *مقتضب الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر*، قم: انتشارات طباطبائی، اول.
۱۳. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق)، *الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة*، بیروت: دارالعلم للملایین، اول.
۱۴. جیلانی، رفیع الدین محمد بن محمد مؤمن (۱۴۲۹ق)، *الذریعة إلی حافظ الشریعة*، قم: دارالحديث، اول.
۱۵. حلّی، حسن بن سلیمان بن محمد (۱۴۲۱ق)، *مختصر البصائر*، قم: مؤسسه نشر اسلامی، اول.
۱۶. حمیری، عبد الله بن جعفر (۱۴۱۳ق)، *قرب الإسناد*، قم: مؤسسه آل البيت ع، اول.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، لبنان / دارالعلم، اول.
۱۸. شریف شیرازی، محمد هادی بن معین الدین محمد (۱۴۳۰ق)، *الکشف الوافی فی شرح أصول الکافی*، قم: دارالحديث، اول.
۱۹. صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۳)، *شرح أصول الکافی*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، اول.
۲۰. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد ع*، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، دوم.
۲۱. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، دوم.
۲۲. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد: نشر مرتضی، اول.
۲۳. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳ق)، *دلائل الإمامة*، قم: انتشارات بعثت، اول.
۲۴. طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق)، *مجمع البحرین*، تهران: کتابفروشی مرتضوی، سوم.

۲۵. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، *تفسیر العیاشی*، تهران: المطبعة العلمية، اول.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الكافی*، تهران: دارالکتب الإسلامية، چهارم.
۲۷. مازندرانی، محمد صالح بن احمد (۱۳۸۲ق)، *شرح الکافی - الأصول والروضة*، تهران: المكتبة الإسلامية، اول.
۲۸. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴ق)، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، تهران: دارالکتب الإسلامية، دوم.
۲۹. مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی (۱۴۰۶ق)، *روضة المتقين فی شرح من لا یحضره الفقیه*، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، دوم.
۳۰. مصباح، محمد تقی (۱۳۹۲)، *معارف قرآن*، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، ششم.
۳۱. مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ق)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: مرکز الكتاب للترجمة و النشر، اول.
۳۲. مفید، محمد بن محمد نعمان (۱۴۱۳ق)، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم: کنگره شیخ مفید، اول.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامية، دهم.
۳۴. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۲)، *معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال*، نجف: مؤسسة الإمام الخوئی، پنجم.
۳۵. میرداماد، محمد باقر بن محمد (۱۴۰۳ق)، *التعلیقة علی أصول الکافی*، قم: خیام، اول.
۳۶. ورام بن أبی فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ق)، *مجموعة ورام*، قم: مكتبة فقیه، اول.